

باز هم نامه ای به فرماندار مکه!

این نامه را نیز امام (ع) به « قثم بن عباس » فرماندار مکه نوشته اند و در این نامه وظائف مخصوص فرماندار در موسم حج و مقداری از وظائف عمومی او بیان گردیده اینک ترجمه متن نامه ..

راضی نخواهد شد و ترا نخواهد ستود .
فرماندار! از اموال الهی (حقوق بی نوایان)
آنچه نزد تو جمع شده بمصرف محتاجان ،
عیال مندان برسان ! و بکوش که حقوق الهی را
درست بمصرف حقیقی برسانی و اگر احیاناً چیزی
از اموال زیاد آمد نزد ما بفرست ! تا بین مستحقین
تقسیم کنیم .
الا ای فرماندار ! باهل مکه فرمان ده که از
زوارو حجاج چیزی بابت اجاره منزل دریافت
ندارند چه خداوند متمال میفرماید :
در سرزمین حرم بومی و مسافر یکسانند
و یکسان می توانند از اقامت در آن بهره مند شوند
خدایا و شما را توفیق دهد تا آنچه را که حضرتش
دوست دارد انجام دهیم و السلام .
نامه ۶۵ از باب نامه های نهج البلاغه

پس از حمد و ثنای پروردگار هان ای
فرماندار ! مردم را دعوت بانجام مراسم
باشکوه حج کن و تسهیلات لازم را برای آنها فراهم
نما ! و آنان را بیاده روزهای خدا ، انداز !
و در هر صبح و شام رسماً جلوس کن ! به پرسش -
کنندگان پاسخ ده ! نادانان را تعلیم نما ! و
با دانا یان مذاکره و مشاوره کن ! تنها با زبان
خویش با مردم سخن بگو و شخصاً با آنها ملاقات
کن مستقیماً با مردم در تماس باش و کارها را به
حاجب و دربان و پیشکار و امگذار ، از باب رجوع
را از ملاقات خویش محروم مدار ! زیرا اگر
کسی اولین مرتبه از دیدار تو محروم شد و
نتوانست حوائجش را با تو در میان بگذارد هر
چند بعداً هم به تقاضایش رسیدگی نموده و حاجاتش
را بر آوری آزرده کی قبلی کار خودش را کرده

توضیح و تفسیر

در عرف ولنت گاه خانه ها ، خیابانها ، مکانها ، روزها را به افراد و اشخاص نسبت می-دهند و میگویند مثلا خانه ملت ، خیابان ابن سینا ، روز کودک ، روز دهقان ، روز مادر و ، منظور از این نسبت و اضافه این نیست که مالک خانه و خیابان ملت و ابن سینا هستند و یا روز کودک و دهقان و مادر روزهایی هستند که کودک و مادر و دهقان در این روزها بدنیا آمده اند ، بلکه این اضافه یا به خاطر شرف مضاف و تعلق آن بشأنی از شئون مضاف الیه است ، چنانچه در مثال خانه ملت که دارالشورای نمایندگان ملت و متعلق بشئون جامعه است و یا به جهت شرف مضاف الیه و تجلیل از آن بواسطه این انتساب ، چنانچه در مثال خیابان ابن سینا و روز مادر و و و که به خاطر تجلیل از ابن سینا و مادر خیابانی از خیابانها و روزی از روزها را بآنها نسبت داده اند .

در قرآن کریم نیز از این گونه اضافات و نسبتها فراوان بچشم میخورد مثلا قرآن حضرت عیسی (ع) راه روح الله - روح خدا ، و افراد با ایمان راه حزب الله - حزب خدا ، و مسجد الحرام را بیت الله - خانه خدا ، و روزهایی را به نام ایام الله - روزهای خدا ، خوانده است ، دانشمندان این ام افرا اضافه تشریفی میخوانند ، امام به پیروی از قرآن مجید به فرماندار می نویسد : حج را به پادارو آنها را به یاد روزهای خدا انداز !

روزهای خدا چه روزهایی است ؟
در میان ملت ها و حوامع بشری اتفاقاتی گوناگون

رخ داده است که چه بسا برای آن ملتها اهمیت فراوانی داشته است ، یکر و زملتی شاید فتح و پیروزی و غلبه بر ملت دیگر بوده ، یکر و ز رهبر و پیشوایی در میان ملتی پدید آمده است که موجب نجات از چنگال ظلمها و ستمها بوده است ، خلاصه حوادث مختلف ، فتحها ، پیروزیها ، تولدها و و و برای ملتهایی جنبه حیاتی داشته است که در طول قرنها خاطره آنروزها را محترم دانسته بنام روز پیروزی و سالروز تولد و امثال آن جشن می گیرند و یادبود آن وقایع را بزرگ می شمردند و عزیز میدانند .

اسلام معتقد است روزهایی بحدانسیب دارد و آنروزهایی است که : يك ملت در اثر طغیان فراوان و سرکشی بی اندازه و غوطه ور شدن در فساد ، طومار سعادتش در هم نوردیده شده و کاخ تمدن آنها زیرو رو گردیده و نامشان در گورستان تاریخ دفن شده .

و یا : مردمی گرفتار چنگال ظلم و ستم ممدودی ستمگر و زورگو بوده اند ، ستمگران آنها را به بندگی و بردگی خود و داشته حاصل زحماتشان را به یغما می برده اند و خود را با عنوان خدائی ، بر آنها تحمیل کرده از کرده شان باری کشیده اند در این میان بارقه ای درخشیدن گرفته مردی پاکباز از میان همان طبقات محروم و رنجبر پیا خاسته و خود را موسی ، وار به آب و آتش زده و دقتر هستی ستمگران را به باد داده است .

و یا : رادمردی قهرمان با انحرافات مبارزه کرده بت را در هم شکسته و حتی جان شیرین خود و فرزندش را در طبق اخلاص گذارده و در راه

معبود حقیقی حاضر به فداکاری شده است .
و یا : همو برای جلو گیری از تشنه و اختلاف مردم و گردآوری آنها تحت لوای واحد و نجات بشریت از بت پرستی و شرک پایگاهی ساخته و شالوده خانه مردم ، خانه خدا ، محل قیام ، مرکز امن ، شهر امن و امنیت را ریخته است .
و یا : ملتی با مردم پروردگار یک ماه روزه گرفته و در مبارزه با هوسهای سرکش سرفراز بیرون آمده اکنون خاطره این پیروزی را بنام « عید فطر » جشن می گیرد .
و یا : ثروتمندان و توانگران ملت به حج رفته اند ، و خاطره فداکاریها و قهرمانی های ابراهیم (ع) را بزرگ داشته اند محرم شده گرد خانه خدا طواف نموده اند ، بین صفا و مروه سعی کرده بیاد مجاهدات اسماعیل و مادرش افتاده اند سپس برای عبادت پروردگار و احیاء آن خاطره ها و آمادگی بیشتر برای مبارزه با شیطان هوس به بیابانهای مقدس و خالی از غوغای مادیت - عرفات ، مشعر ، منی - کوچ کرده اند و صبح روز دهم سرها را تراشیده بدینوسیله عرض عبودیت و بندگی به پیشگاه پروردگار نموده و گوسفندی نیز برای اطعام بیچارگان ذبح کرده اند تا با این عمل به یک تیر چند نشان زده باشند قربانی کرده اند که گرسنگان را سیر کنند ، قربانی کرده اند تا بگویند پروردگارا ما خود نیز حاضر به قربان شدن و فداکاری در راه تو هستیم ، قربانی کرده اند تا بدینا بگویند بجای ریختن خون انسانهای بی گناه گاو و گوسفند را قربانی کنید ، و شکمهای گرسنه را باین وسیله سیر نمائید ، قربانی میکنند و خود شاهد خونریزیهای شوند تا بفهمند اگر خدای

نکرده صلح و صفا برقرار نباشد بجای هزاران گاو و گوسفند میلیونها انسان کشته می شود آوه که چه صحنه وحشتناک و جنایت باری پیش می آید قربانی می کنند و در موقع ذبح نام خدا را برده و دعا میخوانند تا بفهمند و بفهمانند که قربانی و کشتار نیز در اسلام بایستی به امر و فرمان خدا انجام شود نه به فرمان هوی و هوس و خودخواهی ، آری آنجا اسلام اجازه جنگ و جهاد میدهد که برای دفاع از شرف انسانیت و مبارزه با مستمکران و حفظ حقوق محرومان ، مجاهد قریب الی الله قدم به عرصه کارزار نهد . بنابراین آن روز را بنام « عید قربان » عید تضحیه و فداکاری جشن می گیرند . اینها همه مصادیق روزهای خدا است . امام میفرماید : **و ذکرهم با پیام الله** این روزها را به مردم یاد آور شو ! بشناسند ، بدانند ، بفهمند از تاریخ درس بگیرند و ضمناً هم با روزهای سایر ملتها مقایسه کنند . عیسویها تولد حضرت مسیح را جشن می گیرند ، دیگران خاطره پیروزیها و غلبه بر سایرین را بزرگ می شمردند ولی اسلام ! و مسلمانان ...

مسلمانان تنها دو عید اسلامی دارند که در متن مذهب بعنوان عید از آنها یاد شده است ، یکی همان عید فطر و دیگری عید اضحی و هر دو خاطره کار و عمل است ، یاد بود پیروزی بر هوسهای سرکش ، یاد بود زحمتها و مشقتهاست که برای پی ریزی کاخ سعادت انسانیت کشیده شده است .

درست است که ما بخاطر قدردانی از شخصیتها و رجال بزرگ اسلام پیامبر اکرم (ص) و ائمه

شهر دارند به سمع او برسانند لذا امام دستور میدهد:
« ولا یکن لک الی انناس سفیر الا لسانک ولا
حاجب الا وجهک ».

اموال الهی

بیت المال هر شهری در حکومت امام دورقم پول داشت : یک رقم اموالی که از خراج و غیره بدست میآید و صرف کارهای عمومی و امور اصلاحی شهری شد و یک قسم اموالی که از راه وجوه واجبه مانند زکوة و خمس بدست میآید که امام از آنها به : مال الله - اموال الهی تعبیر میفرماید که این قسم از اموال بایستی فوری بمصرف مستمندان شهر برسد و اگر مازادی داشت به مرکز نزد امام بفرستند تا صرف مستمندان سایر بلاد شود .

در سرزمین حرم همه یکسانند

سر زمین مکه از روز اول برای اقامه شائر الهی و برگزاری مراسم پر شکوه حج اختصاص یافته ، و بامر پروردگار مسافر و بومی در آن یکسانند ، همه آزادانه و بطور مساوات می توانند مناسک خود را انجام دهند ، مکه شهر امن اعلام شده و مسجد الحرام خانه مردم ، پس کسی در آنجا مزیت مخصوصی ندارد . علاوه بر این در حکومت اسلامی مکه سرزمینی است که بدست سربازان اسلامی گشوده شده و باصطلاح «مفتوح الغنوه» است و برای همین دو جهت کسی در آنجا مالک زمین نیست امام به فرماندار دستور میدهد به مردم مکه ابلاغ کن که از بابت اجاره خانه از کسی چیزی دریافت ندارند فقهاء اسلام از سنی و شیعی درباره اجاره خانه های مکه دو فتوی دارند ، برخی اجاره دادن و پول گرفتن را حرام میدانند و عده بیشتری (مشهور) اجاره گرفتن را مکروه و ناروا میدانند از این جهت امام میفرماید : «و مر اهل مکة ان لا یأخذوا من ساکن اجرا فان الله سبحانه یقول سواء العاتق فیه والبادی»

طاهرین میلادشان را جشن می گیریم ولی عیدهای اسلامی تنها دو عید است فطر و قربان که هر دو خاطره کار و کوشش است

تفاوت دیگری که اعیاد اسلامی با اعیاد سایر ملل دارد این است که ملتها غالباً مراسم عید را توأم با شهوت رانیها و فسادها برگزار می کنند و مسلمانان این مراسم را با نماز و دعا و دستگیری از مستمندان و دیدو بازدید از اقوام فامیل و دوستان انجام میدهند .

واجلس نهم العصرین

فرماندار در حکومت امام، بایستی هر صبح و عصر جلوس داشته باشد و مردم را پذیرد ، او سه وظیفه دارد ۱- به پرسش های مردم پاسخ گوید ۲- نادانان را تعلیم کند ۳- پادان شمنندان مذاکره نماید... فانت المستفتی و علم الجاهل وذاکر العالم... تردیدی نیست که امام نمیخواهد وظیفه معلم دبستان و ملای مکتبی را بدوش فرماندار بگذارد بلکه منظور تسلیم نادانان و مشورت پادانایان و کارشناسان دز امور مربوط به شهر است فرماندار بایستی با تبصیح مردم پاسخ گوید ، مردم را در جریان امور بگذارد ، نادانان را بوظائفشان آشناسازد . این است منظور امام (ع) از جملات: فانت المستفتی و علم الجاهل او باید با کار شناسان مذاکره کند ، از آنها طرح و نقشه اصلاحی بگیرد ، در اداره امور شهر خود - رای و مستبد نباشد... وذاکر العالم.

تماس با مردم !

فرماندار باید شخصاً با مردم تماس بگیرد ، کارها را بحاجب و دربان وانگذارد . مستقیماً دخالت کند ، مردم میخواهند فرماندار خود را به بینند ، از او حرف بشنوند ، اشکالات کار را با او در میان بگذارند ، از جریان امور شهر با خبر باشند ، اگر بنظرشان کاری بی جا شده او را استبصیح کنند و اگر طرح و نقشه خوبی برای